

Principles and foundations of the criminalization and legal criminal policy of buying and selling children with a look at international laws and documents

Elaha Talezari¹, Reza zahravi², Hossein Miri³, Ali Akbar Ismaili⁴

Abstract

Field and Aims: One of the most important crimes that has increased in the last few years due to various economic and social problems in the society is buying and selling children, for this reason, in this research, the investigation of Iran's criminal policy regarding this crime is carried out. For purposes such as determining the judiciary, legislative and executive criminal policy of Iran regarding the crime of buying and selling children, we studied criminal and preventive solutions for this crime.

Method: The present research is descriptive and analytical.

Finding and Conclusion: The findings of the results and this research showed that this issue is criminalized in both domestic and international laws aimed at children, this crime, along with many other crimes and deviations such as violent crimes such as murder, assault Harming children or sexual crimes and pornography with children, their use in drug gangs and body organ trafficking, begging and theft, etc., and their main cause has been legal, political, social, cultural and economic issues.

Keywords: criminalization, legislative criminal policy, judicial criminal policy, executive criminal policy, buying and selling of children.

*Citation (APA): Talezari, E., zahravi, R., Miri, H., Ismaili, A.(2022). Principles and foundations of the criminalization and legal criminal policy of buying and selling children with a look at international laws and documents. International Legal Research, 15(55), 779-795.

https://alr.ctb.iau.ir/article_694800.html?lang=en

1. Department of Law, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.
Email: elaha.talezari@yahoo.com

2. Department of Law, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Tehran, Tehran, Iran (Author).
Email: rezazahravi@ut.ac.ir

3. Department of Law, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.
Email:hoseinmiri@gmail.com

4. Department of Law, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.
Email: A.esmaile@yahoo.com

اصول و مبانی حاکم بر جرم‌انگاری و سیاست جنایی تقنینی خریدوفروش اطفال با نگاهی به قوانین و اسناد بین‌المللی

الهه طالع زاری^۱، رضا زهروی^۲، حسین میری^۳، علی اکبر اسمعیلی^۴

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مهم‌ترین جرائمی که در چند سال اخیر به واسطه مشکلات مختلف اقتصادی و اجتماعی در جامعه افزایش یافته است، خریدوفروش اطفال است، به همین دلیل در این پژوهش، بررسی سیاست جنایی ایران در قبال این جرم را برای رسیدن به اهدافی نظیر مشخص شدن سیاست جنایی قضایی، تقنینی و اجرایی ایران در خصوص بزه خریدوفروش اطفال و بررسی راهکارهای کیفی و پیشگیرانه در قبال این جرم، مورد مطالعه قرار داده‌ایم.

روش: پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌های نتایج و این پژوهش نشان داد که این موضوع هم در حقوق داخلی و هم در حقوق بین‌المللی معطوف به اطفال جرم‌انگاری شده است، این جرم، به همراه خود بسیاری از جرائم و انحرافات دیگری نظیر جرائم خشنی چون قتل، ضرب و جرح اطفال یا جرائم جنسی و هرزه‌نگاری با اطفال، استفاده از آن‌ها در باندهای مواد مخدر و قاچاق اعضای بدن، تکدی‌گری و سرقت و غیره را در پی دارد و عامل اصلی آن‌ها مباحث حقوقی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده است.

کلیدواژه‌ها: جرم‌انگاری، سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی، سیاست جنایی اجرایی، خریدوفروش اطفال.

* استناددهی (APA): طالع زاری، الهه؛ زهروی، رضا؛ میری، حسین؛ اسمعیلی، علی اکبر. (۱۴۰۱). اصول و مبانی حاکم بر جرم‌انگاری و سیاست جنایی تقنینی خریدوفروش اطفال با نگاهی به قوانین و اسناد بین‌المللی. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۵(۵۵)، ۷۷۹-۷۹۵.

https://alr.ctb.iau.ir/article_694800.html

۱. گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. رایانامه: elahe.talezari@yahoo.com
۲. گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: rezazahravi@ut.ac.ir
۳. گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. رایانامه: hoseinmiri@gmail.com
۴. گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. رایانامه: A.esmaile@yahoo.com

مقدمه

سیاست جنایی مجموعه‌ای از شیوه‌هایی است که دولت‌ها با توسل به آن‌ها علیه جرم و جرائم واکنش نشان می‌دهند، اصولاً سیاست جنایی هر کشوری بسته به نظام سیاسی آن کشور و همچنین نظام حقوقی و دیدگاه‌های اندیشمندان حقوقی آن، متکی به آداب و فرهنگ حاکم بر جامعه متفاوت است. از این رو به موازات تفاوت اندیشه‌ها، فرهنگ‌ها و نظام سیاسی حاکم، در بحث سیاست جنایی نیز تفاوت‌هایی بین نظام‌های مختلف ایجاد شده است. دانشمندان در این رشته به جهت سهولت مطالعه، اقدام به تقسیم‌بندی مدل‌های مختلف بر مبنای اشتراک در برخی شاخص‌ها نموده‌اند. آنچه مجموعه سیاست جنایی، شامل سیاست جنایی قضایی، اجرایی و قانونی به دنبال آن است، در وهله نخست پیشگیری و در وهله ثانوی برخورد و مقابله با جرائم در دو حوزه برخورد شدید و کیفری و یا برخورد بازدارنده و پیشگیرانه است تا نهایتاً آمار جرائم در جامعه کاهش پیدا کند. سیاست جنایی از نقطه ایجاد دولت‌ها و سازمان‌دهی کنش و سپس واکنش اجتماعی در برابر جرائم به وجود می‌آید. زیرا وقوع جرم و به هم خوردن تعادل طبیعی جامعه، بزه‌دیدگان و نهادهای تعقیب کیفری را در وهله اول به یک واکنش کور فراخوانده که هدف آن انتقام و فرونشاندن تنفر ناشی از جرم بود. رفته رفته با کمی تأمل نسبت به این پدیده و تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر در وقوع آن، واکنش اجتماعی به رفتاری هدفمند شباهت یافته که از ارضاء حس انتقام پا فراتر نهاده و به مدیریت وضع پیش آمده به بهترین نحو سوق یافته است. خرید و فروش انسان آزاد، غیر برده، از جمله موضوعاتی است که از دیرباز مورد توجه فقهای اسلام قرار گرفته است؛ به طوری که بحث‌های مفصلی در این خصوص در کتب فقهی خود داشتند برای مثال در استفتائات آیت‌الله سبحانی این‌طور آمده است که: "فروختن انسان حرّ و آزاد حرام و معامله باطل و فروشنده تعزیر می‌شود،" از طرفی اطفال هم به دلیل شرایط سنی، جسمانی، روحی و همچنین به دلیل اینکه سرمایه‌ای برای آینده کشور محسوب می‌شوند، نیازمند حمایت بیشتر از سوی دستگاه قضایی و قوانین هستند. به همین دلیل قانون‌گذار در بخشی از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ فصلی را به مجازات‌ها و اقدامات تربیتی کودکان و نوجوانان اختصاص داده است تا بدین طریق توجه سیاست تقنینی کشور به جایگاه ویژه اطفال را نشان دهد. (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۹: ۲۴۳)

اما موضوع خرید و فروش اطفال در عصر حاضر نیز به طرق مختلف انجام می‌گیرد و همواره دغدغه حکومت‌ها بوده است، از این رو باید به فکر برخورد با مرتکبان این جنایت بود. به همین دلیل پژوهش حاضر بر آن است تا اصول و مبانی حاکم بر جرم‌انگاری خرید و فروش اطفال را مشخص کند و جایگاه این بحث در قوانین کیفری داخلی و اسناد بین‌المللی را تبیین نماید.

پیشینه و ادبیات نظری

پیشینه

جوهری، مهدی، (۱۳۹۷)، در کتاب خود تحت عنوان «سیاست جنایی پیشگیرانه ایران در قبال اطفال بزهکار و بزه‌دیده» پرداختند که در دو بعد می‌تواند به عنوان یک پیشینه مطلوب مورد بهره‌برداری قرار گیرد، اول در آن قسمت که به سیاست جنایی در قبال اطفال و دوم در خصوص سیاست پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال. همان‌طور که پیش‌تر تبیین شد، یکی از اهداف اصلی ما، بررسی راهکار پیشگیری از وقوع جرم خریدوفروش اطفال در قالب سیاست جنایی است که این کتاب هم در خصوص سیاست جنایی، هم در خصوص بزه‌دیدگی اطفال برای پژوهش ما کارایی خواهد داشت و می‌توان از آن بهره برد.

حیدری، مسعود، (۱۳۹۶)، در کتابی تحت عنوان «حمایت از اطفال در سیاست جنایی اسلام و ایران» پرداختند، بیان داشتند که پوشش دادن حمایت‌ها در قالب سیاست جنایی از اطفال است، با موضوع ما نقاط اشتراک دارد و در حوزه سیاست جنایی اطفال و لزوم حمایت از آن‌ها می‌تواند درخور توجه باشد، هرچند که بر روی جرم خاصی تمرکز ندارد و صرفاً به صورت کلی به حمایت و لزوم حمایت از اطفال پرداخته است.

موسوی، اعظم، (۱۳۹۳)، در پژوهشی تحت عنوان «استفاده ابزاری از زنان و کودکان در جرم‌های مرتبط با مواد مخدر» (مطالعه موردی شهرستان هرسین)، پایان‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه» بیان داشتند که بعضی طبقات همچون زنان و اطفال به دلیل عوامل خاص زیست‌شناختی و اجتماعی پیش‌زمینه و استعداد قبلی برای بزه‌دیده واقع شدن را دارند. در جرائم مواد مخدر جنبه بزه‌دیدگی بر بزهکاری اطفال و زنان غلبه دارد. در خصوص خریدوفروش و قاچاق مواد مخدر نیز اطفال و زنان بیشتر بزه‌دیده هستند تا بزهکار. اطفال به دلیل وضع جسمی و سنی، بیشتر پس از خریدوفروش در قاچاق و توزیع مواد مخدر به کار گرفته می‌شوند چون در اکثر کشورها اطفال از مسئولیت کیفری میرا هستند. قاچاقچیان مواد مخدر از زنان و اطفال به عنوان واسطه قاچاق مواد مخدر استفاده می‌کنند.

رضایی کامه، مهتاب، (۱۳۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی برده‌داری مدرن در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل با تأکید بر کودکان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان خراسان رضوی» بیان داشتند که برده‌داری مدرن اشکال و وجوه مختلفی دارد و هر کدام نیز پیچیدگی خاص خود را دارا است اما آنچه در این پایان‌نامه سعی در شفاف‌سازی آن شده بخش خریدوفروش اطفال یکی از منفوترین انواع برده‌داری مدرن می‌باشد. اهمیت این موضوع از جهت حساسیت و آسیب‌پذیرتر بودن مجنی علیه در این واقعه و نقشی که این قشر در آینده جوامع دارند، باعث شد تا انواع دیگر برده‌داری مدرن به زمان دیگری موکول شود. از آنجایی که خود

واژه بردگی و برده شدن بار معنایی منفی دارد پس باید دید چه گروه‌ها و افرادی اقدام به این عمل می‌کنند و چه کسانی طعمه و قربانی می‌شوند.

ادبیات نظری

آنچه از ولایت در اصل عدم ولایت نفی‌کننده خرید و فروش طفل مدنظر است، به معنای محبت یا نصرت مدنظر نیست، بلکه مقصود «حق سرپرستی» است که با سلطه و دخالت در امور دیگران توأم است. البته این حق در سه قلمرو مطرح شده است: الف) امور محجوران؛ ب) امور عامه؛ ج) شئون خاص افراد. با توجه به این تصریحات و تأکیدات می‌توان فهمید که «اصل عدم ولایت» پاسخی به سؤال درباره «لزوم ولایت» نیست و فقها نخواسته‌اند با ارائه چنین اصلی، حکم قطعی عقل و نقل را درباره ضرورت ولایت نادیده گیرند، بلکه آنان، پس از اذعان به این مبنا (اصل اولی) و درحالی که در صدد تعیین گستره ولایت به لحاظ شخص ولی و به لحاظ اختیارات او بوده‌اند، به تأسیس اصل عدم ولایت پرداخته و «صاحبان ولایت» و «قلمرو سلطه» آنان را به حداقل کاهش داده و در موارد مشکوک، با استناد به اصل عدم، ولایت را منتفی تلقی کرده‌اند (اصل ثانوی)؛ از این رو می‌توان به درستی حدس زد که اصل عدم ولایت، نقطه شروع و مبنای نخست آنان در باب ولایت نیست، و نباید این اصل را به معنای بی‌اعتنایی به اهمیّت و ضرورت امور عامه و تدبیر جامعه پنداشت. (سروش محلاتی، ۱۱:۱۳۸۳) اگرچه در هر یک از این سه قلمرو یعنی الف) امور محجوران؛ ب) امور عامه؛ ج) شئون خاص افراد، «اصل عدم ولایت» اعتبار دارد و اثبات ولایت برای هر کس و نیز گستره آن نیازمند دلیل است، ولی این تفاوت را نمی‌توان نادیده گرفت که حکم اولی ولایت، در دو قسم اول و دوم، با قسم سوم یکسان نیست، زیرا آن دو قسم از «امور حسبیه» شمرده می‌شود که تعطیل و اهمال آن‌ها مجاز نیست، درحالی که در قسم سوم که با سلطه بر جان و مال مردم همراه است، دلیلی برای لزوم آن اقامه نشده است. شیخ انصاری در دو قسم نخست، ولایت را در قلمرو «الامور العامه المطلوبه للسلطان» می‌داند و گستره آن را «مطلق الامور التي لا بد من الرجوع فيها عرفاً أو عقلاً أو شرعاً إلى الرئيس» می‌داند. بر این اساس، نظارت بر اموال صغیران و سفیهان، یکی از امور تعطیل ناشدنی است. (انصاری، ۵۵۴:۱۴۱۵) بنابراین باید توجه داشت که موضوع بحث در خصوص انسان‌های عادی و طبیعی است و نه اشخاص محجوری همچون دیوانگان، اطفال و سفیهان که نیاز به سرپرست دارند. (ارسطا، ۹:۱۳۹۴) به همین دلیل، مهم است که خرید و فروش اطفال به نوعی ساقط کردن این نوع ولایت بر محجوران است و با این اصل در تناقض است.

در قرآن مجید آیات بسیاری وجود دارد که با تصریح به واژه ضرر و مشتقاتش در موارد خاص، احکامی را ارائه کرده که از باب تعلیق حکم بر وصف، حاوی معنای عامی است و لاضرر را به صورت یک قاعده می‌تواند تثبیت کند. (محقق داماد، ۱۳۴:۱۳۹۵) قطعاً بحث لاضرر یکی از

قواعد فقهی نفی کننده خرید و فروش اطفال به دلیل ضررهای وارده به والدین و اطفال خواهد بود، در ادامه به ذکر چند نمونه از آن آیات قرآن که به این قاعده اشاره دارد مبادرت می‌گردد:

الف: «وَالِدَةٌ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدِهِ» (سوره بقره، آیه ۲۳۳) یعنی نباید مادری به فرزندش ضرر برساند و نیز نباید پدری به فرزندش زیان بزند. در این آیه مادران نهی شده‌اند که با قطع شیر موجب زیان و ضرر فرزند خود شوند. طبیعتاً وقتی طبق آیه شریفه مادر و پدر نباید به طفل خود ضرر برسانند، خرید و فروش طفل که ضرر مستقیم به طفل است نیز نباید انجام شود، وقتی مسئله جزئی مانند قطع شیر توسط مادر به فرزند مصداق ضرر تلقی شده است، فروختن طفل به دیگران به طریق اولی مصداق ضرر به طفل خواهد بود. ب: «وَلَا تُمَسِّكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا» (سوره بقره، آیه ۲۳۱) ظاهراً گروهی از مردان، زنان خود را طلاق داده، سپس به آن‌ها رجوع می‌کردند و این رجوع مجدد نه به علت رغبتی بود که به آن‌ها داشتند، بلکه با نیت تجاوز و تعدی و احیاناً پایمال کردن حقوق مالی ناشی از زوجیت بود که به زنان مطلقه تعلق می‌گرفت. قرآن کریم در این آیه، مردان را از این عمل نهی و منع کرده است. براساس تفسیری که فاضل مقداد از این آیه در کتاب «کنز العرفان فی فقه القرآن» نموده است، «ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا» به معنای ضرر وارد آوردن به زن به خاطر آزار رساندن به او است، ضرر رساندن به آن‌ها تعدی و تجاوز است، آن‌هم تعدی و تجاوز از حدود الهی. این هم مصداق دیگری از ضرر در این آیه است، اصولاً آیات قرآن نافعی ضرر رساندن به دیگران در قامت همسر، فرزند و دیگران است، لذا از همین آیات می‌توان مذموم بودن عمل خرید و فروش اطفال را که مصداقی از ضرر رساندن به طفل و والدین او است استنباط کرد.

ج: «مَنْ بَعَدَ وَصِيَّةً يُّوصِي بِهَا أَوْ دَيْنًا غَيْرَ مُضَارٍّ» (سوره نساء، آیه ۱۲)... پس از انجام دادن وصیتی که کرده است و نیز پس از ادای دینش بی‌آنکه برای وارثان زیانمند باشد... آیه شریفه حکایت از آن دارد که بعد از آنکه وصیت یا دینی که غیر مضار است، از ترکه خارج گردید، ترکه بین ورثه تقسیم می‌شود. یعنی وصیتی که موصی به ورثه ظلم نکرده و ضرر نزده باشد؛ چون ممکن است موصی به قصد اضرار به ورثه به دینی اقرار کند و بدین وسیله ورثه را از میراث ممنوع و محروم نماید.

مشهور فقها در موارد فراوانی به این قاعده استدلال کرده‌اند، اولین کسی که به این قاعده استدلال کرده است، مرحوم ابن جنید اسکافی است، ایشان در این مسئله که آیا حفر چاه با ایجاد چشمه در نزدیکی چاه یا چشمه شخص دیگر که موجب کم شدن آب چاه یا چشمه او می‌شود جایز است یا نه؟ به این قاعده استدلال کرده است و می‌فرماید: «فان حفر فتین الضرر بذلك فعموم قوله صلى الله عليه وآله: لا ضرر ولا ضرار حاضر». اگر مشخص شود که حفر چاه موجب ضرر است، عموم روایت فوق مانع آن می‌شود. مثال‌های فراوانی که فقها از نفی ضرر زده‌اند به نسبت خرید و فروش اطفال در درجه پایین تری قرار دارد، بنابراین وقتی حفر چاه و ایجاد چشمه مصداق

ضرر تلقی و نفی شده است، خریدن طفل (ضرر به والدین اصلی و خود طفل) یا فروختن طفل (ضرر به طفل) مصداق جدی تری از ایجاد ضرر خواهد بود.

عده‌ای معتقدند؛ (طوسی، ۱۴۰۷: ۴۲) مقصود از حدیث لاضرر و به تبع آن قاعده لاضرر، آن است که حقیقت ضرر در عالم تشریح نفی شده است. به این معنی که از طرف شارع حکمی که موجب ضرر مکلفان گردد، جعل نشده است، به‌عنوان مثال برخی در تفسیر حدیث لاضرر و لاضرار می‌گویند هنگام تعارض مصلحت با حکم منصوص، لازم است مصلحت، بر سبیل تخصیص یا تبیین مقدم داشته شود. به عبارت دیگر، منظور از حدیث مذکور آن بوده است که پس از هر حکمی این جمله افزوده شود که مگر در مواردی که مصلحت خلاف آن را ایجاب نماید، یعنی از حکم، ضرری حاصل شود. (صبحی محصمانی، ۱۳۸۶: ۲۰۳) به این ترتیب، به عقیده طرفداران این نظر، دلیل ضرر مانند عسر و حرج، از احکام ثانویه است، مثلاً حکم شرع به لزوم بیع غبنی، ضرر بر مغبون است و یا وجوب وضو در حالی که آب برای وضو گیرنده مضر است و یا تهیه آن مستلزم پرداخت بهای سنگین است، ضرر بر مکلف است، بنابراین به موجب حدیث لاضرر این احکام برداشته شده‌اند. (انصاری، ۱۴۰۷: ۵۳۴) در قرون اخیر، تعدادی از فقهای بزرگ، مانند شیخ احمد نراقی و شیخ مرتضی انصاری، از این نظریه طرفداری کرده‌اند و پس از ایشان، توسط بسیاری از فقهای دیگر پسندیده شده است. (خوانساری، ۱۳۹۱: ۳۰۱) مرحوم انصاری معتقد است این نظر، معنی اول، یعنی حرمت اضرار به غیر را نیز در بر دارد، زیرا مباح بودن اضرار به غیر، حکم ضرری است که در شرع نفی شده است. بنابراین در مسئله خرید و فروش اطفال، حکم به مباح بودن آن، یک حکم ضرری تلقی خواهد شد که به ضرر طفل یا والدین یا هر دو خواهد شد که طبق مبانی شرعی نفی شده و به همین تبع است که در قوانین نیز مجوز جرم‌انگاری یافته است.

امام خمینی نیز معتقد است که ضرر و اضرار، بیشتر، به معنای کاستی وارد کردن در مال و جان به کاربرده شده است و ضرار و برگرفته‌های از آن، به معنای در تنگنا قرار گرفتن و رساندن ناراحتی و زیان به دیگران (زیان‌های معنوی). (مزینانی، ۱۳۷۸: ۲۳۸) بنابراین، ضرار به معنای ضرر، اضرار بر ضرر، مجازات بر ضرر و یا ضرر متقابل نیز نیست. (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ۳۱) لذا ایشان مفهوم قاعده لاضرر را نهی از اضرار می‌دانند و در نظر امام خمینی (ره)، نهی حکومتی است. امام خمینی (ره) معتقد است اگرچه در بادی امر ممکن است چنین به نظر برسد که حدیث لاضرر در مقام قضاوت صادر شده است، اما با دقت نظر می‌توان دریافت که این روایت و حکم بیان‌شده در آن از حیث مقام ریاست و سلطنت صادر گردیده است. زیرا پیامبر (ص) در داستان سمره و مرد انصاری در مقام قضاوت و رفع مخاصمه میان آن دو چنین حکمی نداده است. انصاری و سمره بر سر اصل زمین یا درخت خرما نزاعی نداشتند، بلکه مرد انصاری از رفتار موجب آزار و مزاحمت سمره و سلب‌کننده آسایش او، نزد پیامبر (ص) به‌عنوان رئیس و زمامدار حکومت تظلم برد تا از او

رفع ظلم کند. بنابراین واقعه رخ داده با تعریف قضاوت که عبارت است از رفع خصومت میان متخاصمین، همخوانی ندارد. از این رو حکم مذکور را باید از جمله احکام حکومتی و اجرایی رسول الله (ص) محسوب کنیم. به این ترتیب ایشان به عنوان یک ضابطه حکومتی مردم را از ایراد ضرر و خسارت به یکدیگر منع فرموده است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ۱۱۴) نتیجه اینکه برخلاف نظر شیخ انصاری که لاضرر را نفی حکم ضرری دانست، این جمله متضمن معنای نهی از ایراد ضرر به دیگران است و برخلاف نظر مرحوم شیخ الشریعه، که نهی در این جمله را نهی الهی می‌داند، امام خمینی (ره) لاضرر را در مفهوم نهی ولی در غیر احکام الهی می‌گیرند، یعنی نهی را ناشی از حکم رسول خدا در مقام اجرا و حکومت تلقی می‌کنند. بنابراین لاضرر به جهت اینکه حکم الهی نیست معارضه‌ای با احکام اولیه الهی ندارد و تنها کاربرد این حکم محدود کردن شمولیت قاعده تسلیط است. یعنی سلطه و سیطره حاکم مسلمین با سلطه افراد در اعمال حق شخصی خود تعارض پیدا می‌کند و از این جهت قاعده لاضرر حکومت می‌کند بر سعه اعمال حق و سلطه افراد و دایره آن را محدود می‌نماید. اگر این دیدگاه را نیز بپذیریم، به صراحت بیشتری می‌توانیم نفی خرید و فروش اطفال به واسطه مبنای لاضرر را ضابطه حکومتی تلقی کرده و با همین پشتوانه، مبنای ورود آن به قوانین و برخورد دستگاه حاکمیتی قضا با آن را از منظر شرعی نیز توجیه کنیم. لذا بر اساس این قاعده فقهی، خرید و فروش اطفال به واسطه وجود ضرر برای اطفال طبق مفاد قاعده لاضرر با مبانی اسلامی مغایرت دارد و قابلیت جرم انگاری از دیدگاه و رویکرد اسلامی را دارد.

یافته‌ها

۱. جرم انگاری خرید و فروش اطفال در حقوق داخلی

۱-۱. جرم انگاری اطفال در حقوق قبل از انقلاب اسلامی ایران

قبل از تصویب قراردادهای بین‌المللی پاریس و ژنو راجع به مجازات اشخاصی که زنان و اطفال را به فساد اخلاق تشویق یا عزیمت آنان را به خارج از کشور تسهیل می‌کردند، مواد صریحی در قوانین جزایی ایران پیش‌بینی نشده بود. فقط ماده ۱۰ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ اشاره‌ای به آن کرده بود. پس از تصویب قراردادهای بین‌المللی لزوم تغییرات و اصلاحاتی در این مورد در قانون مجازات ایران احساس شد و در شهریور ۱۳۱۲ کمیسیون قوانین عدلیه طبق اختیاراتی که داشت در مواد ۲۰۷ الی ۲۱۴ قانون مجازات عمومی تغییرات و اصلاحاتی داد. اصولاً به دلیل فقدان رواج خرید و فروش اطفال در زمان مربوط به پیش از انقلاب اسلامی، قانون‌گذار حساسیت ویژه‌ای نسبت به این موضوع نداشته است، در قوانین بین‌المللی نیز این موضوع از دهه ۹۰ میلادی مورد توجه جدی قرار گرفت، اما به هر روی، به صورت مختصر و پراکنده در برخی از قوانین مانند قانون مجازات عمومی مذکور، به صورت غیرمستقیم به این موارد اشاره گردیده بود.

۱-۲. جرم انگاری در حقوق جمهوری اسلامی ایران

با توجه به تأثیر احکام شرعی و اسلامی در قوانین در تاریخ پس از انقلاب اسلامی، از آنجایی که با بررسی ادله قرآنی و روایی و با استناد به قواعد فقهی روشن می‌شود که خرید و فروش انسان و اطفال از لحاظ فقهی حرام، این موضوع در قوانین پس از انقلاب اسلامی جرم انگاری گردید و از جمله جرائمی است که شرع بر آن حساسیت مبذول داشته، از احکام روشن فقهی در این زمینه می‌توان به اطلاق عناوین قوادی و مفسد فی الارض اشاره کرد و اصولاً خرید و فروش انسان آزاد حرام و باطل است. (نجفی، ۱۳۶۳: ۳۴۳) از نظر تقنینی نیز در سال ۱۳۸۳، مجلس شورای اسلامی اقدام به تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان زده است که بخشی از آن مربوط به خرید و فروش و تجارت اطفال است. (فهرستی و سرچمی، ۱۳۸۶: ۴۳) پیش از سال ۱۳۸۳ قانون مدون و جامعی در مورد تجارت و خرید و فروش انسان مانند اطفال در کشور ایران موجود نبود و این مسئله امر رسیدگی به این جرائم را سخت می‌نمود. البته در سال ۱۳۸۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان تصویب شد که در ماده ۳ به این مهم اشاره کرد.^۱ در سال ۱۳۹۹ نیز با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، در بند «ج» اشاره شده است که خرید و فروش یا هرگونه اقدام غیرقانونی که به موجب آن طفل یا نوجوان در ازای پرداخت وجه یا امتیاز و سایر موارد در اختیار دیگری قرار می‌گیرد، جرم محسوب می‌شود. در ماده ۱۳ این قانون نیز مقرر شده است که: هر کس مرتکب انتقال، خرید، فروش یا قاچاق اعضاء و جوارح طفل یا نوجوان شود، به مجازات حبس درجه سه قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود. بر اساس ماده ۱۱ قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان: «هرگونه معامله راجع به طفل یا نوجوان ممنوع بوده و مرتکب به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود؛ چنانچه این رفتار باهدف فحشاء و هرزه‌نگاری، بهره‌کشی اقتصادی، برداشت اعضاء یا جوارح و یا استفاده از طفل و نوجوان در فعالیت‌های مجرمانه باشد، مرتکب به مجازات حبس درجه چهار قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود».

تبصره ۱: «اشخاصی که واسطه‌گری در ارتکاب جرم موضوع این ماده را حرفه خود قرار داده باشند، به میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات مباشر جرم محکوم و در غیر این صورت به مجازات معاون محکوم می‌شوند». تبصره ۲: «هرگاه کارکنان نهادهای حکومتی مأمور به خدمات عمومی اعم از دولتی و غیردولتی در ارتکاب جرم موضوع این ماده دخالت داشته باشند، علاوه بر مجازات اصلی به محرومیت اجتماعی درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند». به‌عنوان انتقاد باید گفت که تعیین مجازات بیش از ۲ سال الی ۵ سال (درجه پنج) برای این جرم با توجه به حساسیت گروه سنی اطفال نزد قانون‌گذار و همین‌طور تبعات منفی ناشی از خرید و فروش اطفال

۱. هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به‌کارگیری کودکان به‌منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب حسب مورد علاوه بر جبران خسارت وارده به شش ماه تا یک سال زندان و یا جزای نقدی از سال زندان و یا جزای نقدی از ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد.

که به جرائم بزرگ تر منتهی می شود چندان بازدارنده نیست، هر چند لزوماً تشدید مجازات بازدارندگی را تقویت نخواهد کرد و ممکن است قطعیت در اجرای مجازات و مواردی از این دست مانند ممنوع الخروج کردن و غیره راهکارهای مناسبی باشد، اما در کنار قطعیت مجازات که راهگشا است، متناسب کردن میزان کیفر با جرم نیز در نوع خود در بازدارندگی ایفای نقش خواهد کرد.

۲. جرم انگاری خریدوفروش اطفال در حقوق کشورها و اسناد بین المللی

بررسی جرم انگاری خریدوفروش اطفال را ابتدا در حقوق برخی از کشورها به قرار ذیل می باشد:

۲-۱. قوانین و مقررات برخی کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لا

خریدوفروش اطفال در کشورهایی مانند آمریکا و انگلستان به صورت خریدوفروش برده آغاز گردید، برده داری در ایالات متحده آمریکا عملی قانونی بود که بین سده های ۱۷ و ۱۹ میلادی در ایالات متحده انجام می شد. برده داری پیش از آن نیز تحت استعمار بریتانیا انجام می شد. بعدها در مستعمرات سیزده گانه در زمان اعلامیه استقلال ایالات متحده در سال ۱۷۷۶ نیز برده داری رسماً ادامه یافت. هر چند تجارت بین المللی برده در سال ۱۸۰۸ ممنوع شد اما تجارت داخلی در آمریکا همچنان ادامه یافت و باعث شد تا جمعیت برده ها تا پیش از ممنوعیت برده داری به چهار میلیون نفر برسد، البته بعدها در دسامبر ۱۸۶۵ متمم سیزدهم قانون اساسی رسماً نهاد برده داری را در ایالات متحده غیرقانونی اعلام کرد اما خریدوفروش اطفال در قالب های دیگر و به صورت سازمان یافته ادامه یافت.

در سال ۲۰۱۸ وزارت دادگستری آمریکا پیگیری ۲۳۰ مورد قاچاق انسان داخلی را آغاز کرد. محکومیت های فدرال در سال ۲۰۱۷ از ۴۹۹ مورد به ۵۲۶ در سال ۲۰۱۸ افزایش یافته است. بیش از ۷۰ درصد از موارد منجر به محکومیت های بیش از ۵ سال زندان داشته اند و بخش قابل توجهی نیز از قاچاق انسان مربوط به خریدوفروش اطفال بوده است. بیش از ۹ هزار مرکز غیرقانونی در هر ایالت در سراسر آمریکا وجود دارد که سالانه در آمد هنگفت ۲,۵ میلیارد دلار به جیب می زنند. در ماه مارس ۲۰۱۸، ۳۴۰ انسان بالغ و طفل قربانی جنسی در ایالت میلوکی طی ۴ سال اخیر بوده اند. لازم به ذکر است که عموماً آمریکا و انگلستان و کشورهایی که از نظام حقوقی کامن لا پیروی می کنند در خصوص خریدوفروش اطفال و ممنوعیت آن ها و وضع ضمانت های اجرایی در این خصوص، از اسناد بین المللی و پیوستن به کنوانسیون های جهانی پیروی می کنند و کمتر در حقوق داخلی دست به تصویب قوانین اختصاصی پیرامون این حوزه می زنند. (رضایی، ۱۳۹۹: ۱)

۱-۲. قوانین و مقررات کشورهای تابع نظام حقوقی رومی ژرمنی

گزارش‌های شورای امنیت که با همکاری صندوق کمک به کودکان سازمان ملل (یونیسف) و کمیساریای عالی حقوق بشر این سازمان تهیه شده است نشان می‌دهد تجارت انسان به‌ویژه خرید و فروش اطفال در جنوب شرق اروپا به‌طور چشمگیری افزایش یافته و مراکز بین‌المللی تجارت انسان با روش‌های جدید و پیچیده‌ای در این زمینه فعال هستند. شمار زیادی از اطفال جوان به‌عنوان برده برای کارگری و یا کار در خانه‌های فساد به کشورهای غرب اروپا منتقل می‌شوند که بسیاری از این اطفال در ابتدا به‌عنوان نیروی کار ارزان قیمت مورد سوءاستفاده‌های مختلف قرار می‌گیرند. (مسکنی، ۱۳۸۳: ۴) در بسیاری از کشورهای نظام رومی ژرمنی به این مقوله واکنش نشان داده شده است، مثلاً در کشور سوئیس پس از الحاق آن دولت به قراردادهای بین‌المللی قانونی به تصویب رسید که به موجب آن برای اشخاصی که به خرید و فروش اطفال مبادرت می‌کردند مجازات‌هایی پیش‌بینی شده است.

۲-۳. جرم‌انگاری خرید و فروش اطفال در اسناد بین‌المللی

این مسئله از ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی به‌عنوان معضلی جدی در عرصه بین‌المللی مطرح گردید، بی‌اغراق نیست اگر تجارت انسان به‌خصوص خرید و فروش اطفال را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی جامعه بین‌المللی در قرن حاضر بدانیم. هرچند تجارت انسان از دیرباز در میان ملل مختلف وجود داشته است، اما نگرش به پدیده تجارت انسان و خرید و فروش اطفال به‌عنوان معضلی جدی به ابتدای قرن بیستم بازمی‌گردد، به‌عبارت دیگر، در قرون بیستم مبارزه با تجارت انسان و خرید و فروش اطفال به‌عنوان یک جرم سازمان‌یافته فراملی به شکلی جدی آغاز گردید. امروزه آمارها بیانگر این است که بیش از چند میلیون طفل مورد قاچاق و خرید و فروش داخلی و بین‌المللی قرار می‌گیرند. مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۹۴ بیان کرد که: حرکت دادن غیرقانونی و مخفیانه اشخاص در عرض مرزهای ملی، عمدتاً از کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار باهدف نهایی واداشتن اطفال و زنان و دختران به وضعیت‌های بهره‌کشانه و ستمگرانه، از لحاظ جنسی و اقتصادی به‌منظور سود به‌کارگیرندگان، قاچاقچیان و سندیکا‌های جنایتکار و نیز دیگر فعالیت‌های مرتبط با قاچاق، همچون کار اجباری، ازدواج دروغین، استخدام مخفیانه و فرزندخواندگی دروغین، شامل تجارت انسان می‌شود. (ساب ریجیون، ۲۰۰۱: ۲)



۲-۴. پروتکل اختیاری پیمان نامه حقوق کودک در خصوص فروش، فحشا و هرزه نگاری کودکان

پلیس اینترپل هرزه نگاری طفل را به نمایش گذاشتن استعمار جنسی طفل، با تمرکز بر نمایش اندام جنسی و یا فعالیت جنسی طفل تعریف کرده است. قانون گذار ایران در قانون الحاق ایران به کنوانسیون منع پورنوگرافی به واژه "هرزه نگاری" توجه کرده است، همین طور در بند «د» ماده ۱ نیز به این موضوع اشاره شده است. در قانون مجازات اسلامی عبارات "جریحه دار کردن عفت و اخلاق عمومی" و "منافی عفت عمومی" در همین معنا به کاررفته است.

اصولاً حمایت از حقوق اطفال فقط به کنوانسیون حقوق طفل محدود نمی شود، بلکه اسناد و کنفرانس های متعدد بین المللی وجود دارد که در راستای حمایت از حقوق طفل تدوین و برگزار شده است. یکی از اسناد فوق پروتکل اختیاری منضم به کنوانسیون حقوق در مورد فروش، فحشا و پورنوگرافی یا هرزه نگاری اطفال است که در سال ۲۰۰۰، به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده و از ۱۸ ژانویه ۲۰۰۲ لازم الاجرا شده و جمهوری اسلامی ایران هم در ۹ مرداد ۱۳۸۶ به پروتکل مذکور ملحق شده است. این سند دارای مقدمه حاوی ۱۱ بند کوتاه و بلند و ۱۷ ماده است. از مهم ترین موارد مربوط به خرید و فروش اطفال می توان به بند ۱ ماده ۱۹ اشاره داشت که مقرر می دارد: کشورهای عضو کلیه اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل خواهند آورد تا از طفل در برابر کلیه اشکال خشونت جسمی و روانی، صدمه یا آزار، بی توجهی یا رفتار توأم با سهل انگاری، سوء رفتار یا بهره کشی از جمله سوء استفاده جنسی در حین مراقبت والدین، سرپرست قانونی یا هر شخص دیگری که عهده دار مراقبت از طفل است، حمایت کنند. از جمله موارد مهم دیگر، به رسمیت شناختن حق برخورداری اطفال از حمایت در برابر هرگونه استعمار اقتصادی و کارهای زیان آور برای آموزش، سلامتی، رشد جسمی، روانی، معنوی، اخلاقی یا اجتماعی است. همین طور اعلام نگرانی از روند فزاینده قاچاق بین المللی اطفال برای فروش، فحشا و هرزه نگاری آنان است، همین طور از جمله موارد مهم دیگر، طرح این موضوع است که ضمن مقابله با فروش، فحشا و هرزه نگاری اطفال، باید مبارزه فراگیری علیه فقر، تبعیض اقتصادی، خانواده های از هم پاشیده و رفتارهای جنسی غیرمتعارف و قاچاق اطفال صورت گیرد. (نوری، ۱۳۸۶: ۱۴۹)

۲-۵. کنوانسیون حقوق کودک

اصولاً حقوق اطفال یکی از مسائل مهم است که امروزه در سطح داخلی و بین المللی مورد توجه خاص قرار گرفته و به ویژه در کنوانسیون حقوق کودک، مصوب ۱۹۸۹، قواعدی برای حمایت از آن پیش بینی شده است. از جمله مهم ترین مواد مشخص در این کنوانسیون که صراحتاً به فروش اطفال اشاره دارد، ماده ۳۵ است.

۲-۶. قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و دستگاه‌های مشابه

در ماده اول بخش اول این قرارداد که مربوط به خرید و فروش اطفال است، بیان شده که هریک از دولتی که عضو قرارداد می‌باشند، کلیه اقدامات لازم قانونی و سایر اقدامات عملی را تدریجاً جهت ممکن ساختن الغاء یا متروک گذاردن ترتیبات مرسوم ذیل در اسرع اوقات در هر نقطه که موجود باشد و اعم از اینکه تعریف قضایی بردگی مندرج در ماده ۱ قرارداد بردگی منعقد در ژنو مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۵۶ شامل آن‌ها باشد یا نباشد به عمل خواهد آورد.

۲-۷. پروتکل اختیاری پیمان‌نامه حقوق کودک درباره به‌کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه

پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک نیز یکی دیگر از مصوبه‌های سازمان ملل بعد از کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ است. این پروتکل در راستای دستیابی بیشتر به اهداف کنوانسیون حقوق کودک و اجرای مقررات آن به‌ویژه مواد ۱، ۱۱، ۲۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵ و ۳۶ در مقابل فروش، روسپی‌گری و هرزه‌نگاری آن تصویب شده است. تصویب این پروتکل در حقیقت یک واکنش جامعه جهانی به گسترش و توسعه جرائم فروش و روسپی‌گری و هرزه‌نگاری اطفال از طریق ابزارهای مدرن است. فروش اطفال، عرضه کردن، تحویل دادن یا پذیرفتن طفل به هر وسیله، به‌منظور بهره‌برداری جنسی، عکس‌برداری از اعضای بدن فرد برای سودجویی، وادار کردن طفل به کار اجباری، قبول فرزندخواندگی با واسطه و نامناسب به دلیل نقص مقررات فرزندخواندگی، عرضه کردن، فراهم کردن، پیدا کردن و تهیه کردن طفل برای روسپی‌گری، تولید و توزیع کردن، اشاعه دادن، وارد و صادر کردن، عرضه کردن، فروختن هر ابزاری که در ارتباط با طفل و برای بهره‌برداری‌های فعالیت‌های جنسی طفل باشد، جرائم موضوع پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق طفل هستند و دولت‌های عضو پیوستن به سند فوق، متعهد به جرم‌انگاری این جرائم در حقوق داخلی خود شده‌اند. (خسروشاهی و پورقهرمانی، ۱۳۹۰: ۶۹)

۲-۸. کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک

کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار؛ با دعوت هیئت‌مدیره دفتر بین‌المللی کار، هشتاد و هفتمین اجلاس خود را در تاریخ اول ژوئن ۱۹۹۹ میلادی (۱۱/۳/۱۳۷۸ هجری شمسی) در ژنو برگزار نمود. در این کنوانسیون آمده است که با توجه به نیاز به تصویب اسناد جدید به‌منظور ممنوعیت و محو بدترین اشکال کار اطفال، به‌عنوان اولویت عمده برای اقدام ملی و بین‌المللی، از جمله همکاری و مساعدت بین‌المللی، برای اجرای کنوانسیون و توصیه‌نامه حداقل سن برای پذیرش اشتغال، مصوب سال ۱۹۷۳ میلادی (۱۳۵۲ هجری شمسی) که کماکان اسناد اساسی در زمینه کار اطفال می‌باشند. با توجه به اینکه محو مؤثر بدترین اشکال کار اطفال مستلزم اقدام فوری و جامع، با در نظر داشتن اهمیت آموزش و پرورش پایه‌ای رایگان و نیاز به دور ساختن اطفال

موردنظر از تمامی این نوع کارها و تأمین بازپروری و سازگاری اجتماعی آنها ضمن توجه به نیازهای خانواده‌های آنها است، و با یادآوری قطعنامه مربوط به محو کار طفل، مصوب کنفرانس بین‌المللی کار در اجلاس هشتاد و سوم آن در سال ۱۹۹۶ میلادی (۱۳۷۵ هجری شمسی)، و با پذیرش اینکه کار طفل تا حد زیادی معلول فقر است و اینکه راه‌حل درازمدت در رشد پایدار اقتصادی منتهی به پیشرفت اجتماعی، به‌ویژه تسکین فقر و آموزش و پرورش همگانی، قرار دارد، و با یادآوری کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ میلادی (برابر با ۱۳۶۸/۸/۲۰ هجری شمسی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد، و با یادآوری اعلامیه سازمان بین‌المللی کار در مورد اصول و حقوق اساسی کار و سند تکمیلی آن، تصویب گردید. در ماده ۳ این سند، مشخصاً و صراحتاً به خرید و فروش اطفال اشاره شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش مؤید این مطلب است که جرم‌انگاری و اصولاً سیاست جنایی تقنینی در قبال جرائم، هم در حقوق کیفری ایران و هم در سایر کشورها و یا حتی در اسناد بین‌المللی، عمدتاً بر پایه مبانی و نظریه‌های خاص ایجادشده و شکل گرفته است و جرم خرید و فروش اطفال نیز از این قاعده مستثنی نبوده است و در دو رویکرد حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی که مورد ارزیابی قرار گرفت، مشخص شد که هر دوی این رویکردها از مبانی خاص خود برای جرم‌انگاری و تبیین سیاست جنایی تقنینی در قبال جرم خرید و فروش اطفال تبعیت کرده‌اند. در همین راستا نتایج و یافته‌های پژوهش مؤید این مطلب است که جرم‌انگاری خرید و فروش اطفال و به‌طور کلی سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال این جرم، متکی بر نظریات اسلامی و مبانی‌ای نظیر قاعده لاضرر، اصل عدم ولایت نافعی کودک فروشی و تعارض قاعده عدالت و کودک فروشی بوده است و بازتاب آن را می‌توان در قوانینی نظیر قانون مجازات اسلامی یا قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ یا قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ ملاحظه نمود و این موضوع در اسناد بین‌المللی یا قوانین کشورهای رومی ژرمنی یا کامن‌لا نیز مبتنی بر نظریه جرم‌شناسی لیبرال بنا شده است و بازتاب آن را می‌توان در پروتکل اختیاری پیمان‌نامه حقوق کودک در خصوص فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان، کنوانسیون حقوق کودک، قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و دستگاه‌های مشابه، پروتکل اختیاری پیمان‌نامه حقوق کودک درباره به‌کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه و غیره مشاهده کرد.

پیشنهادها

۱. پیشنهاد معطوف به تقنین و نحوه کیفر گذاری است که در دو بُعد مطرح خواهد شد، یکی از این ابعاد مربوط به این است که در حوزه قوانین کیفری، قانونی اختصاصی در موضوع خرید و فروش اطفال وجود ندارد و این موضوع یا در قالب قانون مجازات و یا در قالب قوانین دیگر به صورت گذرا و در حد یک الی دو ماده مورد اشاره قرار گرفته است، اما با توجه به مصادیق فراوانی که حول محور این جرم شکل می‌گیرد و در متن پژوهش و قسمت نتایج نیز به ابعاد وسیع جرائم و انحرافات مرتبط با بزه خرید و فروش اطفال اشاره شد، به نظر می‌رسد که وجود یک قانون اختصاصی در این حوزه که تمام جوانب امر را پوشش دهد و راهکارهای کیفری و تدابیر پیشگیرانه در آن لحاظ شده باشد از اهمیت برخوردار است. ثانیاً در ابعاد کیفر گذاری نیز ملاحظه می‌شود در مواردی که در قوانین کیفری به بزه خرید و فروش اطفال اشاره شده است، قانون‌گذار از کیفرهایی بهره گرفته است که بازدارندگی کافی را نداشته و اصولاً متناسب با نوع جرم و آسیب‌های اجتماعی ناشی از بازتاب این جرائم در سطح جامعه و نقض نظم اجتماعی نیست، هر چند بر این باوریم که افزایش کیفر نمی‌تواند بازدارندگی از ارتکاب جرم را تضمین کند، اما معتقدیم که مجازات نامناسب با جرم ممکن است به‌عنوان تسهیل‌کننده جرم عمل کند، بنابراین باید در کنار قطعیت در اجرای مجازات، به تناسب مجازات وضع شده با بزه خرید و فروش اطفال نیز توجه شده و اصلاحاتی در این خصوص اعمال شود.

۲. از دیدگاه فقهی و حقوقی موضوعی به نام خرید و فروش انسان وجود ندارد، بنابراین خلاف قانون است و آدم‌ربایی قلمداد می‌شود. آدم‌ربایی نیز از جمله جرائم سنگینی است که می‌تواند حتی تا حبس ابد و اعدام نیز نسبت به موضوع جرم، مجازات داشته باشد.

منابع

- ابن براج، ابوالقاسم، المهذب، جلد دوم، قم، نشر موسسه سيد الشهداء (ع)، ۱۴۰۶.
- ارسطو، محمدجواد، قاعده عدم ولايت، نشریه فقه حكومتی، شماره ۳، ۱۳۹۴.
- افراسیابی، صابر و خوئینی، غفور، مبانی قانونی و اخلاقی جرم انگاری در حقوق کیفری ایران، نشریه اخلاق در علوم و فناوری، شماره ۴، ۱۳۹۸.
- انصاری، مرتضی، المكاسب، جلد سوم، قم، نشر مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۱۵.
- حسن پور، محسن، قاعده لاضرر و موارد استناد آن در فقه امامیه و مذاهب اربعه، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ۱۳۹۷.
- خسروشاهی، قدرت الله و پورقهرمانی، بابک، پیشگیری اجتماعی از وقوع جرائم کودکان در پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در باره خرید و فروش، روسپیگری و هرزه نگاری کودکان، نشریه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۸، ۱۳۹۰.
- خوانساری نجفی، موسی؛ منیة الطالب، جلد دوم، قم، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۹۱.
- رستمی، هادی، جرم انگاری و کیفرگذاری در پرتو اصل محدود کننده آزادی در نظریه لیبرال، نشریه حقوق کیفری، شماره ۱، ۱۳۹۳.
- رضایی، مهدی، قاچاق انسان در آمریکا و بی تفاوتی کاخ سفید، خبرگزاری میزان، فروردین ۱۳۹۹.
- سروش محلاتی، محمد، اصل عدم ولايت، نشریه علوم سیاسی، شماره ۲۵، ۱۳۸۳.
- صبحی محصمانی، رجب، فلسفه قانونگذاری در اسلام، تهران، نشر آثار اندیشه، ۱۳۸۶.
- صدر، محمدباقر، اقتصادنا، بیروت، نشر دارالتعارف، ۱۹۷۹.
- ضمیران، محمد و عبادی، شیرین، سنت و تجدد در حقوق ایران، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۷۵.
- طوسی، الخلاف، جلد ۳، قم، نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷.
- فرحبخش، مجتبی، تأثیر فایده گرایی بر جرم انگاری، رساله دکترای حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- فهرستی، زهرا و سرچمی، زیبا، تجارت زنان و کودکان از دیدگاه فقهای شیعه و بررسی علل و اهداف آن، نشریه بانوان شیعه، شماره ۱۳ و ۱۴، ۱۳۸۶.
- لواسور، ژرژ، سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشریه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۱ و ۱۲، ۱۳۷۲.
- محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، تهران، نشر مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۵.
- محمودی جانکی، فیروز، مبانی فلسفی منع حقوقی و کیفری ایراد ضرر به خود، فصلنامه حقوق، سال سی و هفتم، شماره یک، ۱۳۸۶.
- مزینانی، محمدصادق، نگاهی به قاعده لاضرر از دیدگاه امام خمینی، نشریه کاوشی نو در فقه، شماره ۲۱، ۱۳۷۸.
- مسکنی، زهره، نگاهی به پدیده قاچاق کودکان در جهان، خرید و فروش کالایی از جنس انسان، نشریه اصلاح و تربیت، شماره ۳۶، ۱۳۸۳.



-مطهری، مرتضی مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۴۰۹.
 -موسوی خمینی، روح الله، بدایع الدرر فی قاعده نفی ضرر، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۲.

-نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۳.
 -نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم شناسی، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰.

-نجفی توانا، علی، تعارض و انسداد در سیاست جنایی ایران، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۱، ۱۳۸۶.
 -نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، نشر کانون وکلا، ۱۳۷۰.
 -نوری، مسعود، پروتکل الحاقی به پیمان نامه حقوق کودک درباره فروش، فحشا و هرزه نگاری کودکان و بررسی الحاق ایران به آن، نشریه حقوق بشر، شماره ۱، ۱۳۸۶.

-Hanna, Nathan, Liberalism and the General Justifiability of Punishment, Philos Stud, Springer Science Business Media. B. V. 2008.

-Murphy, Jeffrie G, Legal Moralism and Retribution Revisited, Crim. Law and Philos, 2007.

-Raymond, www.Prostitutio, 2004.

-Salehi Amiri SR, Karimi Khozani A. Role of social ethics on public & social secure. Ethics in Science & Technology; 11, 2007.

-Sub- Region, Mekong, Trafficking in Women and children, 2001.